

پژوهشهای حقوقی

فصلنامه علمی - ترویجی

شماره ۳۹

هزار و سیصد و نود و هشت - پاییز

- ۷ **رویکرد محاکم بین‌المللی کیفری در برخورد با ازدواج اجباری به‌عنوان خشونت جنسی**
دکتر احمدرضا توحیدی - آزاده داداشی
- ۴۱ **مذاکره مجدد؛ انعکاس نیاز به استمرار تعادل مالی - اقتصادی در قراردادهای سرمایه‌گذاری صنعت نفت و گاز**
دکتر محمد نامدار زنگنه - دکتر سید حسین طباطبایی
- ۶۷ **مسئولیت مدنی اشخاص حقیقی ناشی از انتقال بیماری‌های مسری با تأکید بر حقوق انگلیس**
دکتر علیرضا رجب‌زاده - بهاره شفیعی
- ۸۷ **بررسی تطبیقی مالکیت کشتی رهاشده و قواعد حاکم بر آن**
سید عباس متولی - دکتر محمود قیوم‌زاده - دکتر سید مرتضی نعیمی
- ۱۱۷ **موجبات و موارد توسل به پاسخ‌های غیرکیفری به‌جای پاسخ‌های کیفری در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲**
دکتر رامین علیزاده - دکتر محمدعلی جاهد
- ۱۴۱ **شیوه‌های پیشگیری و جبران خسارت در نقض حقوق مالکیت فکری**
سکینه دهقان
- ۱۶۹ **بررسی تطبیقی نحوه مشارکت خارجیان در شرکت‌های تجاری مناطق آزاد**
الهام مقراضی‌اصل
- ۱۹۷ **ماهیت جرم محال در حقوق ایران با نگاهی به حقوق انگلیس**
دکتر ابوالحسن شاکری - دکتر محمود درویش‌ترابی
- ۲۱۷ **مکانیسم‌های حل‌وفصل اختلافات در اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا؛ مدلی برای اکو**
محمدرضا نریمانی زمان‌آبادی
- ۲۴۳ **کوی‌بان به‌عنوان دادستان در نظام حقوقی زرتشتی جامع‌علوم انسانی**
عزیز نوکنده
- ۲۷۱ **پیشگیری از بزه‌دیدگی کارمندان دادگستری در ایران: مورد پژوهشی شهر بروجرد**
دکتر جواد ریاحی - دکتر اسماعیل شریفی - آذین روحانی
- ۳۰۳ **«اصطلاحات تجاری بین‌المللی» معادلی نادرست برای INCOTERMS**
سید عزیز معصومی
- ۳۱۵ **شناسایی و پیشگیری از فرصت‌های وقوع جرم سازمان‌یافته در بازار بین‌المللی عتیقه‌جات**
نگارنده: دکتر سیمون مکنزی - ترجمه: بهاره قانون





کوی بان به عنوان دادستان در نظام حقوقی زرتشتی

عزیز نوکنده*

چکیده:

حفظ نظم عمومی از وظایف دولت است. جامعه به عنوان زیان دیده به دلیل اختلال نظم عمومی، خواستار مجازات مرتکب جرم است. نگارنده در این پژوهش بر مبنای مستندات نشان داده، در نظام حقوقی زرتشتی وظیفه تعقیب، تحقیقات مقدماتی و پیشگیری از وقوع جرم بر طبق قانون برعهده کوی بان بوده است. کوی بان پس از انجام تحقیقات مقدماتی و جمع آوری دلایل کافی، پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه ارسال می کرده است. در مجموع می توان گفت، کوی بان شخصی بوده که بخشی از وظایف دادستان امروزی را انجام می داده است. در این تحقیق وظایف وی مورد بررسی قرار گرفته و با قانون دادرسی کیفری ایران تطبیق داده شده است. هدف این پژوهش این است که نشان داده شود تا چه اندازه مقررات آن روزگار با قوانین امروزی مطابقت دارد.

کلیدواژه‌ها:

کوی بان^۱، دادستان^۲، پیشگیری^۳، تحقیق مقدماتی^۴، حقوق زرتشتی^۵.

مقدمه

هرچند دادستان یک مقام دولتی امروزی محسوب می‌گردد، ولیکن بخشی از وظایف دادستان‌ها در دوران گوناگون توسط دولت‌ها انجام می‌گرفته است. چون پادشاه حاکم مطلق بود، یکی از وظایف خود را حاکمیت قضایی می‌دانسته، یا خودش به موضوع رسیدگی می‌نموده، یا به دیگران واگذار می‌کرده است.

اساساً با وقوع جرم، نظم اجتماعی مختل می‌گردد. جامعه به‌عنوان زیان‌دیده از اخلال نظم عمومی،^۶ خواستار مجازات مرتکب جرم است. از آنجایی که اعمال این حق، از ناحیه هیئت اجتماع ممکن نیست، مقام دادستان به‌عنوان وکیل جامعه در جهت پیگیری این حق وارد عمل می‌گردد. دادستان به‌منظور حفظ حقوق عمومی و آرامش شهروندان و جلوگیری از تضییع حقوق، تحت عنوان دفاع از جامعه، بزهکاران را تحت تعقیب قرار می‌دهد. این وظیفه به دادستان به‌عنوان نماینده جامعه واگذار گردید. این موضوع از فلسفه پیدایش دادستان به‌خوبی مستفاد می‌گردد. افزون‌بر اینکه دادستان مراقبت می‌کند تا اجرای قوانین به‌طرز صحیح در جامعه انجام گیرد. تعقیب کیفری فقط در صلاحیت ذاتی دادستان است. دادستان نمی‌تواند به‌صورت خودسرانه و دلخواهی به هر بهانه‌ای شهروندان را تحت تعقیب قرار دهد و به‌سوی مجازات قانونی هدایت نماید، بلکه باید برطبق مقررات قانونی انجام وظیفه کند. چنانچه شخصی از حدود اختیارات قانونی خارج گردد. به‌عنوان بزهکار قابل تعقیب است. پرسشی که مطرح می‌گردد این است که اهمیت و ضرورت این تحقیق در چیست؟

حفظ نظم عمومی و تأمین امنیت از دغدغه‌های هر دولتی است. مقامات حاکم در جهت مقابله با جرم، مقرراتی را وضع می‌نمایند. منابع حقوق کیفری زرتشتی، اعلامیه کوروش کبیر، کتیبه‌های داریوش و خشایارشا و دیگران دلالت بر حاکمیت قانون داشته است. کوی‌بان، صاحب‌منصبی بوده برطبق قانون که بخشی از وظایف دادستان امروزی را انجام می‌داده است؛ بنابراین، شناخت نهادهای مشابه در نظام حقوقی کشور ما که وظیفه دادستان را انجام می‌داده‌اند، از جنبه تاریخ حقوق ایران و فلسفه حقوق بسیار ضروری است. هدف از این تحقیق، افزایش دانش فرهنگ حقوق ملی است. بررسی سیر تحول نهاد دادستانی بدون پیشینه آن امکان‌پذیر نیست.

پرسش اساسی این تحقیق این است، آیا در نظام حقوقی زرتشتی نهادهایی مشابه دادستان وجود داشته است؟
 آیا کوی بان بر اساس نظر شخصی هر عملی را جرم تلقی می‌کرده، سپس اقدام به تعقیب متهم می‌نموده، یا برطبق قانون مدون آن هم در صورت وجود دلایل جرم، متهم را تحت تعقیب قرار می‌داده است؟

۱- مفهوم‌شناسی دادستان

۱-۱- واژه‌شناسی و تعریف دادستان^۷

به منظور شناخت صحیح از مقام دادستان لازم است مفهوم دادستان از نظر لغوی و علمی و معیار قانونی مورد بررسی قرار گیرد. دهخدا دادستان را «ستاننده داد» تعریف کرده^۸ «داد ستدن را به معنای حق خود را گرفتن یا گرفتن حق ستم‌دیده از ستم‌کش دانسته است.»^۹ ولی به نظر رستم شهزادی دادستان «به معنای فتوای رأی قاضی حکم دادگاه قضاوت و داوری انصاف می‌باشد. داتک به معنای داد‌آفریده عدل و داد قانون و قاضی است.»^{۱۰} از دیدگاه دکتر معین دادستان به معنای «آنکه اجرای عدالت کند، داور، قاضی، امیر، نماینده دولت در دادگاه که علیه مجرمان ادعای صادر کند، مدعی‌العموم» می‌باشد.^{۱۱} همچنین داد ستاندن به معنای «انتقام کسی را از دیگری گرفتن» است.^{۱۲} راوندی داد را به معنای «قانون» می‌داند ولی از دادستان تعریفی ارائه نکرده است. کلمه «داد» نیز برگرفته از کلمه «دادت» است که در زمان هخامنشیان و در کتاب اوستا به معنای قانون بوده است.^{۱۳} اوشیدی در خصوص داور چنین می‌نگارد: «واژه‌ای پهلوی و عنوان عمومی قضاوت در عهد ساسانی بوده. داوران که در واقع حکام شرع به شمار می‌آمدند در جامعه ساسانی در ردیف دستوران و موبدان و هیربدان مذکور بوده‌اند و لقب رذ داشته‌اند. رأس قضاوت داور را داوران (قاضی‌القضاوت) می‌خواندند.»^{۱۴}

7. Procureur de la Repuplique.

۸. علی‌اکبر دهخدا، *لغت‌نامه (حرف د)* (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۰)، ۲۸.

۹. همان، ۲۹.

۱۰. رستم شهزادی، *واژه‌نامه پازند* (تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی فروهر، ۱۳۸۶)، ۱۶۵.

۱۱. محمد معین، *فرهنگ فارسی معین* (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵)، ۴۷۸.

۱۲. همان، ۱۴۷۹.

۱۳. مرتضی راوندی، *سیر قانون و دادگستری در ایران* (تهران: چشمه، ۱۳۶۸)، ۵۸.

۱۴. جهانگیر اوشیدی، *دانشنامه مزدیسنا* (تهران: انتشارات مرکز، ۱۳۷۱)، ۲۷۱-۲۷۰.

دوران حاکمیت حقوق زرتشتی، از واژه دادستان به‌عنوان یک مقام قضایی استفاده نمی‌شده است یکی از مترجمان ماتیگان هزار دادستان در این خصوص می‌نویسد:

«واژه دادستان «دکتر مدی»^{۱۵} آن را عقیده و فتوا و «انکلسریا»^{۱۶} به‌اتفاق دکتر «وست»^{۱۷} و پروفیسور «دارمستتر»^{۱۸} آن را به‌معنای قانون مدنی و آقای «بالسارا»^{۱۹} آن را به نکات یا مواد قانون ترجمه کردند.^{۲۰} از همه مهم‌تر در مقدمه ماتیگان هزار دادستان علت نام‌گذاری را توضیح می‌دهد که:

«این کتاب را از این‌روی مادیان هزار دادستان خوانند که مهی و بهی و ارجمندی مردمان را جدا از خصلتی که آنان بر پایه گوهر ذاتی از کوشش و دهش یزدان یافته‌اند، مدلل می‌دارد. این کتاب ابزاری است متکی بر نیروی دادار در هروسب آگاهی (بصیرت مطلق) برای نابود کردن دروغ‌زن و باز به ملکیت درآوردن حکم و نظم دادن به آفرینش بدون رقیب و جاودانگی سعادت و روشنایی فراگیر و فرمانروایی کامل در فرجام برای حفظ گوهر مردمی.»^{۲۱} در دوران ساسانیان به دادستان «کوی‌بان» می‌گفتند.^{۲۲}

با توجه به اینکه مشخص گردید، داد به‌معنای قانون است، واژه ستان به‌معنای گیرنده می‌باشد. در واقع می‌توان گفت دادستان، گیرنده حق و قانون است. به‌نظر می‌رسد بر مبنای مطالعات تاریخی و ادبی بوده که در جریان جایگزین کردن واژه‌های پارسی به‌جای واژه‌های بیگانه طی سال‌های ۱۳۱۷ به‌وسیله فرهنگستان ایران، اصطلاح «دادستان» به‌جای مدعی‌العموم را پیشنهاد کرده‌اند.^{۲۳} در نظام حقوقی روسیه واژه «پراکورار»^{۲۴} به‌معنای دادستان است، «پراکورار» شخصی که از طرف دولت تعیین شده تا رعایت قانون‌ها را نظارت کند. «پراکورار» را معادل «دادستان» دانسته است.^{۲۵} پراکورار یک واژه روسی است که در

15. Madi.

16. Anceleria.

17. West.

18. Darmesteter.

19. Balsara.

۲۰. موبد رستم شهزادی، مترجم، *ماتیگان هزار دادستان* (تهران: انتشارات فروهر، ۱۳۸۶)، ۵۸.۲۱. سعید عریان، مترجم، *مادیان هزار دادستان* (تهران: انتشارات علمی، ۱۳۹۱)، ۵۹.

۲۲. همان، ۱۲۳.

۲۳. مجموعه قوانین و مقررات کشور سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۰۰ (تهران: انتشارات روزنامه رسمی کل کشور،

۱۳۸۸)، جلد دوم، ۱۵۰۲.

24. Прокурор.

25. Назархода Сайфуддин и другие. Толковый словарь таджикского языка. Т.2. Изд. Институт языка и литературы имени Рудаки. - Душанбе, 2008, С. 118.

نظام حقوقی کشورهای آسیای میانه وارد شده است.^{۲۶} واژه دادستان که در فرانسه «پراکورور»^{۲۷} به معنای دادستان شهرستان رئیس دادرسی و نماینده قانونی جامعه در اجرای قوانین است، «پراکورار جنرال»^{۲۸} به معنای دادستان کل، دادستان استان، دادستان دیوان کشور که وکیل عمومی می‌باشد.^{۲۹} و^{۳۰} در انگلستان «پراسکیوتر»^{۳۱} کسی که دیگران را از سوی دولت به خاطر امور جزایی تحت تعقیب قرار می‌دهد.^{۳۲}

۱-۲- تعریف حقوقی دادستان

حقوق دانان تعاریف مختلفی در خصوص دادستان ارائه کردند. برخی نوشته‌اند: «دادستان مقامی است که برای حفظ حقوق عمومی و نظارت بر حسن اجرای قوانین و تعقیب بزهکاران برطبق مقررات قانونی انجام وظیفه می‌کند.»^{۳۳} این تعریف کاملی نیست، چون دادستان علاوه بر تعقیب بزهکاران به عنوان نماینده جامعه در دادگاه حضور می‌یابد و از کیفرخواست دفاع می‌کند. اجرای احکام کیفری و امور حسبی به عهده دادستان است. در این تعریف به آن اشاره نگردیده است. یکی از پژوهشگران دادستان را این گونه تعریف می‌کند: «مقام دولتی است که برطبق صلاحیتش که در قانون ذکر شده فعالیت می‌کند و نظارت بر اجرای دقیق قانون در سرتاسر قلمرو تاجیکستان را برعهده دارد.»^{۳۴} تعریف مذکور ناقص است زیرا مشخص نکرده دادستان در چه موضوعی باید دخالت کند. حداقل می‌بایست عنوان کلی صلاحیت دادستان را مشخص می‌کرد. قانونگذار ایران در ماده ۴۹ قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۱۳۰۷ دادستان را چنین تعریف کرده: «مدعیان عمومی صاحب منصبانی هستند که برای حفظ حقوق عامه و نظارت بر اجرای قوانین موافق مقررات قانونی، انجام وظیفه می‌نمایند و در محاکمات کیفری در حکم وکیل عامه می‌باشند.»^{۳۵} بر اساس تعریف قانونی

26. Махмудов м.а. фарханги истилохоти хукук. душанбе. зр-граф. 2009. С386.

27. Procureur de la Republique.

28. Procureur General.

29. Florence Laroche, *Dictionnaire du Droit de Tous Les Jours (Les Dictionnaires de Ouest-France)* (Paris, 1982), 32.

30. Guichard Serge, Montagnier Gabriel, *Lexique des Termes Juridiques* (Paris: Dalloz, 2001), 443-444.

31. Prosecutor.

32. Henry Campbell Balck. *Black's Law Dictionary* (Oxford: West Publishing, 1977), 4th Edition, 1258.

۳۳. محمود آخوندی، *آیین دادرسی کیفری (دادسرا و کیفرخواست)* (تهران: انتشارات سازمان چاپ و انتشارات،

۱۳۸۸)، جلد ششم، ۴۱.

34. Махмудов М.А. Указ”Ҷоч., С. 385.

۳۵. مجموعه قوانین و مقررات کشور سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۰، پیشین، ۱۵۰۲.

مذکور یکی از پژوهشگران معتقد است: «دادستان به نمایندگی از طرف جامعه عمل می‌کند و تعقیب متهمان وظیفه او به‌شمار می‌رود.»^{۳۶} این تعریف ناقص است چون یکی از وظایف دادستان نظارت بر اجرای صحیح قانون می‌باشد. به‌نظر می‌رسد دادستان مقام دولتی است به نمایندگی از جامعه برطبق قانون برای حفظ حقوق عمومی در کلیه مراحل رسیدگی کیفری به‌طور کامل و در امور حقوقی و حسبی به شکل محدود دخالت می‌نماید. همچنین بر حسن اجرای قوانین در کشور نظارت می‌نماید.

از آنجایی که کوی‌بان در حقوق زرتشتی مکلف بوده برطبق قانون، متهم را تحت تعقیب قرار دهد، مستندات متعددی دلالت بر اصل قانونی بودن جرم و مجازات در این نظام حقوقی دارد. تعیین اعمال مجرمانه به‌صورت خودسرانه توسط مقامات و قضات ایجاد نمی‌شده است؛ بنابراین لازم و ضروری است بررسی شود آیا در این نظام حقوقی، قانون جزایی وجود داشته و منابع آن کدام است؟

۱-۳- منابع حقوق جزای زرتشتی

منابع اصلی حقوق جزای زرتشتی، اوستا قسمت وندیداد، دینکرد، ماتیکان، شایست و ناشایست می‌باشند. نصوص منابع مذکور مؤید وجود اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها در این نظام حقوقی است و نشان از آگاهی و دقت نظر قانونگذار آن روزگار دارد. از آنجایی که شناسایی یک عمل به‌عنوان جرم، پیش‌شرط تعقیب و مجازات است، از طرفی هم مقام قضایی در حقوق زرتشتی مکلف بوده برطبق قانون، متهم را تحت تعقیب قرار دهد، لازم و ضروری است، بررسی شود، آیا در این نظام حقوقی، قانون جزایی وجود داشته؟ در این صورت منابع آن کدام است؟ این منابع عبارتند از:

قسمت اول - اوستا، شامل بیست و یک نسک می‌باشد که نسک وندیداد^{۳۷} مربوط به داتیک (قوانین جزایی و مدنی) دین زرتشت است. وندیداد شامل بیست و دو فصل می‌گردد که فهرست قسمت‌های جزایی آن عبارتند از:

- الف - فصل چهارم، جرم نقض عهد و پیمان، اقسام جرایم و آزمایش قضایی؛
- ب - فصل ششم، جرم کاشتن محصول در زمینی که سگ یا انسان مرده در آن باشد؛
- پ - فصل هفتم، مسئولیت جزایی پزشکان؛

۳۶. علی خالقی، آیین دادرسی کیفری (تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۸۸)، جلد اول، چاپ دوم، ۲۵.

۳۷. جیمس دار مستتر، وندیداد/اوستا، ترجمه موسی جوان (تهران: انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۸۴)، چاپ دوم، ۹۸.

ت - فصل هشتم، خوردن گوشت مرده؛

ث - فصل سیزدهم و چهاردهم، جرایم علیه حیوانات؛

ج - فصل پانزدهم، سقط جنین.

قسمت دوم - دینکرد که توسط آذرفرنبغ پسر فرخزاد و همکاران او در نیمه اول قرن سوم هجری در بغداد نوشته شده، در واقع تلخیص و بخش‌هایی از اوستا محسوب می‌گردد. برخی معتقد هستند: «اوستای موجود تقریباً یک‌چهارم اوستایی است که دینکرد آن را شرح کرده است.»^{۳۸} در این تحقیق قسمت‌های مربوط به قوانین جزایی و دادرسی کیفری را به‌طور فهرست‌وار بیان می‌کنیم:

الف - بخش پتکار رادیستان^{۳۹}، درخصوص رفتار خرابکاران نسبت به نابودی انسان و حیوان می‌باشد. این عمل به‌صورت عامدانه برخلاف جهان مینوی انجام گیرد. سبب صدمه زدن به حیات (جسم و جان) انسان و حیوان می‌گردد که فقر و تنگدستی نتیجه آن است. آثار ارتکاب چنین جرایمی این است که اشخاصی که مرتکب چنین جرایمی می‌شوند، جامعه و حتی جهان را به تباهی می‌کشانند. هیچ‌کس حق تعرض به انسان و حیوان را ندارد. درواقع این بخش مربوط به جرایم علیه انسان و حیوان است.^{۴۰}

ب - بخش دوم - نیکاتوم نسک زتمیستان^{۴۱} می‌باشد. درمورد کسی است که در وضعیت ناهوشیاری به دیگران حمله می‌کند که این حمله منجر به درد و خون‌ریزی می‌شود. افزون‌براین، علائمی که شخص ناهوشیار دارد را برمی‌شمارد.^{۴۲}

پ - بخش سوم نیکاتوم نسک راشیستان^{۴۳} که شامل موارد زیر است:

۱- پاره کردن، شکافتن، قطع کردن اعماء و احشاء، چاقو زدن، گاز زدن، قطع کردن اعضا، تهدید و چرخاندن شلاق، زمین زدن دیگران، قتل، ایراد ضرب و جرح منجر به گیجی، تورم، خمیدگی، کبودی، نقصان عقل، شنوایی، گویایی، بینایی، ایراد ضرب و جرح نسبت به زن باردار، از بین بردن قدرت انزال و تولیدمثل؛

۳۸. محمدجواد مشکور، گفتاری درباره دینکرد (تهران: اسپند، ۱۳۲۵)، ۹۵.

39. Patkar-radistan.

40. West, e.w. Translator, *Dinkard-i-dinik (The Sacred Books of the East)* (Oxford: Oxford University Press, 1892), vol. 18, 35-36.

41. Zatomistan.

42. West, *Dinkard-i-dinik (The Sacred Books of the East)*, op.cit. 39.

43. Rashistan.

۲- زخم‌هایی که در اثر ضربه شمشیر ایجاد می‌شود آثاری که این ضربات در محل جراحت به‌وجود می‌آورد؛

۳- نحوه درمان جراحات، مدت آن و وضعیت جراحاتی که غیرقابل درمان باشد؛

۴- معاونت در جرایم مسلحانه؛

۵- نحوه دادرسی جرایم ارتكابی مذکور.^{۴۴}

ت - بخش چهارم نیکاتوم نسک، همه مالیستان^{۴۵} است که شامل موارد زیر می‌باشد:

۱- نسبت دادن عمل مجرمانه به دیگری از قبیل جادوگری، قتل، سرقت، ایراد ضرب و جرح، تهدید و ترساندن به وسیله سلاح، هیاهو و دادوفریاد، توقیف غیرقانونی، آموزش غلط، زنجیر کردن، ایجاد یأس و ناامیدی، غذا ندادن، دروغ‌گویی، نزدیکی با زنی که در عادات ماهیانه است؛

۲- تقصیرات قضات مبنی بر تبرئه متهم علی‌رغم وجود دلایل اتهام، مجازات نامتناسب، عدم توجه به میانجیگری.^{۴۶}

ث - بخش دهم، رفتار و راه رفتن خشونت‌آمیز یک مرد نسبت به دیگران، مسئولیت شخص در مواقعی که از قصد مجرمانه دیگران آگاهی می‌یابد، خودداری از اجرای مجازات به دلیل بیماری، آزمایش الهی، ادله اثبات دعوی، آیین دادرسی کیفری؛^{۴۷}

ج - شانزدهمین نسک گنبا سرنیگاد^{۴۸} که قسمت‌هایی که مربوط به قوانین کیفری می‌باشند در آن نقل می‌گردد.

قسمت اول - سرقت و مسائل آن، مجازات زندان، تعیین و اجرای برخی مجازات‌ها؛^{۴۹}

قسمت دوم - نسک هم‌دادکو،^{۵۰} حدود مسئولیت کیفری اطفال، مسئولیت پدر کودک

نسبت به رفتار وی، معاونت در جرایم؛^{۵۱}

قسمت سوم - نسک سورستان^{۵۲} است که در مورد انواع جرایم ارتكابی از قبیل ایراد

ضرب و جرح و کشتن حیوانات می‌باشد.^{۵۳}

44. West, op.cit. 41.

45. Hamemalistan.

46. West, op.cit. 43-44.

47. Ibid, 53.

48. Ganabasar-nigad.

49. West, op.cit. 74.

50. Hamdadako.

51. West, op.cit. 78.

52. Storistan.

53. West, op.cit. 84.

چ - هوسپارم نسک^{۵۴} که دارای ۶۵ قسمت است. قسمت جزایی آن عبارت است از:

۱- سرقت، تجاوز، کلاهبرداری، ضبط اموال و وظایف قضات؛

۲- ور یا آزمایش الهی مبنی بر اثبات بی‌گناهی؛

۳- معاونت در ایراد ضرب و جرح، نیش قبر، آلوده کردن آب و آتش؛

۴- تصرف عدوانی، دروغ، قتل، قطع درختان و غذا ندادن.^{۵۵}

ح - سکاٹوم نسک^{۵۶} دارای ۵۲ قسمت است که قسمت‌های جزایی آن عبارتند از:

۱- تناسب جرم و مجازات‌ها و غذا خوردن در جاده؛^{۵۷}

۲- نسک و خشیستان^{۵۸} عدم پرورش حیوانات و صدمه زدن به شتر.^{۵۹}

خ - بخش ورستان^{۶۰} در خصوص محاکمه و اعدام جادوگر از طریق آزمایش الهی.^{۶۱}

قسمت سوم - «ماتیگان هزار داتستان» متن کامل این مجموعه که در زمان پادشاهی

خسرو پرویز در حدود ۶۲۰ م در شهر گور (فیروزآباد فارس) به زبان پهلوی تألیف شده است.

در ماتیگان هزار دادستان در موارد متعدد به اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها و دادرسی

اشاره شده است. مهم‌ترین دلیل آن این است که «هر جرمی باید طبق قانون و نسبت به

دفاعی باشد که مجرم مرتکب جرم شده است.»^{۶۲}

قسمت چهارم - کتاب «شایست و ناشایست» یکی از منابع حقوقی و کیفری برای

رسیدگی در نظام حقوقی زرتشتی می‌باشد. «از گناه و مجازات سخن می‌رود. لحن کلام

گویای قدرت قانونی و حکومتی داوران زرتشتی است. چنین پیداست اینها حق اجرای عدالت

بر اساس قوانین دولت را داشتند.»^{۶۳}

قسمت پنجم - فرامین پادشاهان حفظ نظم عمومی یکی از مهم‌ترین وظیفه حاکمیت

دولتی است. برای برقراری نظم و امنیت مقامات حاکم در جهت مقابله با جرم، قوانینی را وضع

می‌کردند. در تاریخ ایران اعلامیه حقوق بشر کوروش کبیر، کتیبه‌های منتسب به داریوش،

54. Husparam Nasak.

55. West, op.cit. 92.

56. Sakatum Nasak.

57. West, op.cit. 121.

58. Vakhshistan.

59. West, op.cit. 138.

60. Varestan.

61. West, op.cit. 144.

۶۲ شهزادی، ماتیگان هزار دادستان، پیشین، فصل ۴۲، بند ۲۷، ۱۲۶.

۶۳ کتابیون مزدپور، شایست ناشایست (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۹)، ۹.

خشایارشاه و فرامین پادشاهان دیگر^{۶۴} در روزگار حاکمیت حقوق زرتشتی، دلالت بر وضع قانون توسط فرمانگزاران دارد. داریوش به اجرای عدالت اهمیت زیادی می‌داد چنان‌که خود در کتیبه بیستون چنین آورده است: «من داریوش ... راستی را دوست دارم و از بدی بیزارم. نمی‌خواهم که در قلمرو شاهنشاهی من توانایی به ناتوانی ستم ورزد. نمی‌خواهم که کسی از راه بداندیشی به دیگری زیان رساند.»^{۶۵} این مطلب نشانگر این است که قانون مکتوب کیفری وجود داشته که پادشاه اعلام می‌دارد در صورت نقض قانون با آنها برخورد می‌کند.

اعمال مجرمانه شامل اخلال در نظم عمومی، سیاسی، مذهبی، جرایم علیه اشخاص و اموال بوده است که از فرامین پادشاهان و کتاب مذهبی زرتشت و عرف و آداب‌ورسوم نشئت می‌گرفته، به طوری که محققین معتقدند: «قوانین به دو دسته تقسیم می‌شده است:

اول - قواعد و قوانین کلی مربوط به نظم عمومی، سازمان‌های اداری، مالی و نظامی؛

دوم - قوانین و آداب‌ورسوم محلی.»^{۶۶}

این قوانین در تمام قلمرو کشور اجرا می‌شده است. درخصوص پیروی از قانون خشایارشاه می‌گوید: «چنانچه آرزو کنی که در این دنیا سعادت‌مند باشم و در آن دنیا روانم شاد باشد، باید از قانون (داتا) که اهورامزدا داده است، پیروی کنی و از آن با کمال درستی متابعت نمایند - کسی که قانون اهورامزدا را اطاعت می‌کند و با کمال درستی و راستی آن را محترم می‌شمارد در دنیا و آخرت، سعادت‌مند خواهد بود.»^{۶۷}

پرسشی که مطرح می‌گردد این است. آیا فرامین پادشاهان به‌عنوان قانون در سراسر کشور لازم‌الاجرا بوده یا خیر؟ آیا پادشاهان حق وضع قانون را داشته‌اند؟ در این خصوص در ماتیگان تصریح شده: «تصمیمات قضایی یا فتاوی صنفی از طرف رؤسای اصناف باید طبق احکام و فرمان پادشاهان به‌عمل آید.»^{۶۸} این مطلب نشان می‌دهد پادشاهان حق قانونگذاری داشتند.

برخی در این مورد می‌نویسند: «یک رشته از قوانین را دستورات شاهنشاهان ایرانی تشکیل می‌دادند که برخلاف قوانین مدون دینی در معرض تغییر و تبدیل بودند. گذشته از

۶۴ نک: فاروق صفی‌زاده، تاریخ حقوق ایران باستان (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۱)، ۴۲۰.

۶۵ محمود زنجانی، تاریخ تمدن ایران باستان (تهران: انتشارات عطایی، ۱۳۹۴)، جلد اول، ۲۱۷.

۶۶ علی‌اشرف احمدی، دادگستری و قانون در ایران باستان (تهران: انتشارات وزارت فرهنگ، ۱۳۴۲)، ۸۰.

۶۷ مرتضی احتشام، ایران در زمان هخامنشیان (تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۵)، ۸۲.

۶۸ شهزادی، ماتیگان هزار دادستان، پیشین، فصل ۶، بند ۱، ۶۹.

مقام سلطنت موبدان در امور مذهبی و داوران شاهی در کارهای مدنی راجع به چیزهایی که در دین ذکری از آنها نشده بود قوانینی شبیه به آیین‌نامه‌هایی امروز تصویب و تدوین می‌کردند که درهرحال نمی‌بایست مخالف با روح قوانین دینی باشند. سایر امور که اهمیت چندانی نداشتند برحسب عرف و عادات معمول اجرا می‌شدند.^{۶۹} برخی از قوانین جزایی آن روزگار ناشی از فرامین پادشاهان بوده‌اند؛ ولیکن این قوانین به اطلاع عموم می‌رسیده است چون در ماتیکان مقرر داشته: «حکام موظفند فرامین شاهی را نوشته، امضاء و مهر نموده و سپس آن را در معرض اطلاع عامه قرار دهند.»^{۷۰} پس شهروندان می‌دانستند چه عملی جرم محسوب می‌شود. این موضوع دلالت بر وجود حاکمیت اصل قانونی بودن جرم و مجازات دارد.

موضوع قضاوت در نظام حقوقی زرتشتی بدان حد مهم بوده که اگر قضاوت وظایف خود را با دقت انجام نمی‌دادند، عمل آنها موجب اختلال در نظم عمومی و ویرانی جهان تلقی می‌شد. به‌همین منظور در ماتیکان هزار دادستان آمده است: «اگر دادوران با کمال صمیمیت و دقت وظایف محوئه خود را انجام ندهند، رشته نظم عمومی گسسته شده و جهان به ویرانی خواهد نهاد.» همچنین «شکست دادن روح شر و بیرون راندن بدی‌ها از کشور و جهان بسته به میزان قابلیت و روح عدالت‌پروری و حس وظیفه‌شناسی دادوران است و چنانچه یکی از حقوق‌دانان گفته است، سست و ناتوان کردن بدی در جهان به‌عهده قضاوت است. علمای دین نیز گفته‌اند، وظیفه قاضی نابود کردن شر در جهان است.»^{۷۱} بنابه ملاحظه همین نظر بوده که این نظام حقوقی با وضع قوانین، مانع خودسری قضاوت و مقامات گردیده و در پناه قانون، امنیت شهروندان تأمین می‌شده است.

۲- ماهیت کوی‌بان و وظایف آن

باتوجه‌به اینکه مقام قضایی در نظام حقوقی زرتشتی مطلق‌العنان نبوده اصل قانونی بودن دادرسی حاکم بوده است. منظور از قانونی بودن دادرسی این است که هیچ دادگاهی صلاحیت رسیدگی به جرمی را ندارد مگر اینکه طبق قانون تشکیل یافته باشد. مقامات قضایی مکلف هستند، کلیه مراحل رسیدگی کیفری اعم از کشف، تعقیب، تحقیق، رسیدگی (بدوی،

۶۹. ارسطو افلاطونی، حقوق در ایران باستان (تهران: شرکت سهامی طبع کتاب، ۱۳۳۴)، ۱۳ و ۱۲.

۷۰. شهزادی، ماتیکان هزار دادستان، پیشین، فصل ۴۲، بند ۶۸ ۱۲۸.

۷۱. همان، فصل ۴۰، بند ۳، ۱۲۱.

تجدیدنظر) و اجرای احکام کیفری را طبق قانون مدون انجام دهند. چنانچه مقامات، به وظایف و تکالیفی که قانونگذار برعهده آنها گذارده به نحو صحیح عمل نکنند، به دلیل عدم رعایت قانون دادرسی کیفری اقدامات آنان باطل و احکام صادرشده در مراجع ذیصلاح قضایی نقض می‌گردد. لذا کوی بان، صاحب‌منصبی بوده که برطبق قانون و مقررات دادرسی عمل می‌کرده است.

۲-۱- ماهیت کوی بان

کوی بان در نظام حقوقی زرتشتی شخصی بوده که تعقیب، تحقیقات مقدماتی، تنظیم کیفرخواست و پیشگیری از وقوع جرم برطبق قانون برعهده وی بوده است. ماتیکان هزار دادستان درخصوص وظایف کوی بان مقرر داشته: «وظایف کوی بان نظارت در اجرای صحیح اوامر و نواهی حکومت و جلوگیری از دزدی و سایر جرایم است.»^{۷۲}

از این بند چنین مستفاد می‌گردد که وظیفه کوی بان نظارت بر اجرای صحیح قانون، تعقیب متهمین و پیشگیری از وقوع جرم بوده است. هرچند اجرای صحیح قانون موجب کاهش وقوع جرم می‌گردد؛ اما قانونگذار آن روزگار به اهمیت پیشگیری از وقوع جرم پی برده و یکی از وظایف کوی بان را پیشگیری از وقوع جرم قرار داده است؛ یعنی کوی بان می‌توانست اقداماتی انجام دهد تا سبب کاهش موقعیت‌های مجرمانه یا وقوع جرم گردد؛ بنابراین کوی بان صاحب‌منصبی بوده که اکثر وظایف دادستان امروزی را انجام می‌داده است.

درخصوص اینکه کوی بان صاحب‌منصبی بوده که وظایف دادستان را انجام می‌داده، در بین پژوهشگران دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد.

«ماتسوخ»^{۷۳} آلمانی در توضیح این واژه نوشته: «مفهوم آن نامشخص است.»^{۷۴} ظاهراً

متوجه مفهوم کوی بان نشده که بتواند وظایف آن را توضیح دهد.

وست، واژه «کوپانو»^{۷۵} را به معنای «کوی بان» دانسته^{۷۶} ولی درخصوص اینکه کوی بان

چه وظیفه‌ای داشته، توضیحی نداده است.

۷۲. همان، فصل ۴۰، بند ۲۲، ۱۲۳.

73. Macuch

74. Macuch, M. Das Sasanidische Rechtsbuch, Matakdan 1 Hazar Datistan, Teil 11, Wiesbaden. 1981. 54, 192, 206-207.

75. Kupano.

76. West, op.cit. 91.

پریخانیان نیز واژه فوق را «سرپرست شهر یا محله»^{۷۷} ترجمه کرده است.^{۷۸} در نوشته مذکور هم مشخص گردید که شغل کوی‌بانی معادل دادستان نیست. حداقل نویسنده چنین استنباطی نکرده است؛ اما یکی از حقوق‌دانانی که کوی‌بان را «پراکورار»^{۷۹} ترجمه می‌کند، می‌نویسد: «وظیفه پراکوراران نظارت در اجرای اوامر و نواهی حکومت، جلوگیری از دزدی و سایر جرایم است.»^{۸۰}

اما برخی کوی‌بان را مسئول برقراری امنیت در کوی و برزن معرفی کردند.^{۸۱} اما یکی دیگر از حقوق‌دانان کوی‌بان را مأمور شهربانی معرفی می‌کند. در این خصوص می‌نویسد: «در امپراتوری ساسانی، شهربانی سازمانی مؤثر و نیرومند بود. در هر محل مهم نیرویی تحت فرماندهی افسری لایق وجود داشت. در شهرها هر واحدی تحت نظارت رئیسی بود به‌نام کوئپان که مسئول انتظامات شهر بود و هر جا که جرمی اتفاق می‌افتاد، دستگیری مجرم و کشف جرم با او بود. این افسر شهربانی قانون دادرسی و روش محاکم را می‌دانست. احکام و قرارهای محکمه را اجرا می‌کرد»^{۸۲} یکی دیگر از پژوهشگران معتقد است: «این کاردار ساسانی وظیفه‌اش ابلاغ بوده، کار اداره ابلاغ را کوی‌بان و کوی‌بانی انجام می‌داده است.»^{۸۳} این نظر به‌هیچ‌عنوان از منطوق و مفهوم بند ۲۲ از فصل ۴۰ ماتیکان هزار دادستان مستفاد نمی‌گردد.

به‌نظر می‌رسد کوی‌بان شخصی بوده برای تأمین امنیت شهروندان و اجرای صحیح عدالت که بخش زیادی از وظایف دادستان امروزی را انجام می‌داده است.

۲-۲- حاکمیت اصل برائت

فرض بر بی‌گناهی در دادرسی کیفری زرتشتی حاکمیت داشته است. اصل برائت یکی از اصول مهمی است که ضامن حفظ حقوق و آزادی‌های شهروندان محسوب می‌گردد. تا دلیل قانونی و امارات برعلیه کسی وجود نداشته، کوی‌بان حق تعقیب وی را نداشته. در ماتیکان

77. Koupan/ Koopan.

78. Anahid Perikhanian, *The Book of a Thousand Judgements (A Sasanian Law Book)*, Translated from Russian by prof. Nina Garsoian (U.S.A.: Boston, 1980), 298-299, 371.

79. Прокурор.

80. Холиков А.Г. Мотикони хазор Додситон. “Эр-граф”. – Душанбе, 2015, с.143.

۸۱. سعید عربیان، مترجم، *مادیان هزار دادستان* (تهران: انتشارات علمی، ۱۳۹۱)، ۳۴۴.

۸۲. ربابه عرب بدوئی، *حمایت کیفری از حقوق بشر در ایران باستان* (تهران: نشر علم، ۱۳۸۸)، ۳۴۱.

۸۳. علی کاکا افشار، «مادگان هزار دادستان»، *مجله کانون وکلای دادگستری* ۱۹۷ و ۱۹۶ (۱۳۸۶)، ۱۶۲.

تصریح شده: «تازمانی که جرم متهم به مرحله ثبوت نرسیده است باید از هرگونه تنبیه یا زندانی کردن او خودداری کرد.»^{۸۴} یعنی کوی‌بان و مقامات قضایی نمی‌توانستند، بدون وجود دلایلی که واجد ارزش قانونی باشد، شخصی را تحت تعقیب قرار دهند. تصریح این مطلب در متون قانونی مبین این است که مقامات قضایی مکلف بودند به مناسبت انجام وظیفه، حقوق متهم را رعایت نمایند. عملکرد آنها نمی‌بایست به‌گونه‌ای باشد که به کرامت و حیثیت متهم آسیب برساند. این نظام حقوقی با قاعده‌سازی سعی کرده رفتار خودسرانه و دل‌خواهانه مقامات قضایی را پایان دهد. این مقامات مکلف به رعایت معیارهای قانونی دادرسی بودند.

از طرف دیگر، این مطالب دلالت بر این دارد که این نظام حقوقی برای حقوق و امنیت شهروندان اهمیت ویژه‌ای قائل بوده. به‌واسطه حاکمیت اصل برائت تا اثبات جرم، کسی حق اعمال مجازات را نداشته است. حمایت از حقوق و آزادی‌های شهروندان اعم از بزه‌کار و بزه‌دیده از وظایف دستگاه قضایی می‌باشد. دستگاه قضایی وظیفه احقاق حق و اجرای عدالت و فصل خصومت بر مبنای ضوابط قانونی نسبت به کلیه شهروندان را دارد. هرچند دادستان حافظ منافع عمومی به دفاع از جامعه می‌پردازد اما به نمایندگی کلیه شهروندان انجام وظیفه می‌کند؛ بنابراین دادستان بر طبق قانون از حقوق بزه‌کار و بزه‌دیده پشتیبانی می‌کند. دادستان به‌عنوان مقام قضایی نقش مدعی را دارد. همانند مدعی خصوصی عمل نمی‌کند که به هر طریقی شده حتی با دلایل غیرقانونی موجبات محکومیت شخصی را فراهم کند. بلکه دادستان به‌عنوان مدعی از قانون صیانت کرده و برای اجرای صحیح قانون و حاکمیت قانون و تقویت قانون‌مداری تلاش می‌کند. چنانچه کسی قانون‌شکنی کند و حقوق دیگران را پایمال کند و آزاری به دیگران برساند، دادستان با قدرت قانونی که از سوی دولت دارد با مرتکبین برخورد می‌کند؛ اما در عین حال، تمام تلاش وی، مصروف بر این است که حق قانونی بزه‌کار ضایع نگردد. یکی از نویسندگان در این مورد می‌نویسد: «ولی مصلحت فرد را نباید به همان نسبت، فدای مصلحت جامعه کرد. اگر عدالت ایجاب می‌کند که مقصر جرم همیشه مجازات شود، عدالت به همین اندازه لازم می‌داند که شخص تحت تعقیب تمام امکانات دفاع از خود (حقوق دفاع) را داشته باشد و هرگز بدون احراز مجرمیت و مسئولیت قطعی وی در برابر قضات، از آزادی محروم و مجازات نشود. لازم به ذکر است که مجازات

نکردن صد مجرم بهتر از محکوم کردن یک نفر بی گناه است.^{۸۵} همچنین یکی دیگر از نویسندگان می نویسد: «در حقیقت می توان گفت که دادسرا مدعی کامل و تمام عیار نیست، بلکه به منزله مدعی است. دادسرا در ضمن تعقیب کیفری بزهکار باید محافظت و حمایت از منافع و حقوق و آزادی های او را نیز وجهه همت خود قرار دهد.»^{۸۶}

مطلب دیگری که از این بند استنباط می گردد، این است که کوی بان و مأموران تحقیق مکلف بودند برطبق قانون عمل کنند. حق هرگونه شکنجه در حین تحقیقات را نداشته اند. همانند دادستان به عنوان حافظ قانون از حقوق متهم پشتیبانی می کرده اند، برعلیه کسانی که حقوق متهم را نادیده می گرفتند. با توسل به شکنجه، کسب دلیل برخلاف موازین قانونی، اخذ رشوه و سایر روش های غیرقانونی که در حین تحقیقات نسبت به متهم انجام می داده اند، مبارزه و برخورد قضایی می کرده اند، جلوی اعمال غیرقانونی را می گرفته اند. به عبارت دیگر حق بهره مندی از دادرسی عادلانه^{۸۷} از حقوق مسلم متهم مدّ نظر بوده قطعاً چنین صاحب منصبی بر کارهای مأموران تحقیق نظارت داشته است. در واقع کوی بان به عنوان مقام قضایی حقوق و آزادی های فردی را تضمین می کرده، مانع قضاوت شخصی و خودسرانه می گردید. به عنوان مرجع دادخواهی و پناهگاه شهروندان محسوب می شده است. در سیستم امروزی هم وجود چنین صاحب منصبی را لازم می دانند. این صاحب منصبان می توانند حقوق و آزادی های عمومی و خصوصی را حفاظت و پشتیبانی کنند که شورای قانون اساسی فرانسه اعلام می دارد: «آزادی فردی نمی تواند حفاظت شود مگر با دخالت قاضی در کوتاه ترین زمان ممکن.»^{۸۸}

۳- وظایف کوی بان

باتوجه به مستندات وظایف کوی بان را مورد بررسی قرار می دهیم.

85. Gaston Stefani, George Levasseur and Bernard Bouloc, *Procedure Penale* (Paris, 2006), 20th Edition, 2, 3.

۸۶. محمود آخوندی، آیین دادرسی کیفری (تهران: انتشارات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳)، جلد اول، ۱۶۳-۱۶۲.

87. l'egalité des armes.

۸۸. آرلت هیمن - دوا، آزادی های عمومی و حقوق بشر، ترجمه یوسف مولایی و رشید برناک (تهران: نشر گرایش، ۱۳۸۲)، ۳۱۹.

۳-۱- پیشگیری از وقوع جرم

یکی از وظایف دیگر کوی بان که در ماتیکان مقرر داشته: «جلوگیری از دزدی و سایر جرایم است.»^{۸۹} امروزه به پیشگیری از وقوع جرم تعبیر می‌شود که از مباحث سیاست جنایی^{۹۰} می‌باشد. به عبارت دیگر یکی از کارکردهای کوی بان را می‌توان پیشگیری از وقوع جرم نام برد. اساساً یکی از اهداف سیاست جنایی، از بین بردن یا کاهش یا دشوار نمودن، فرصت‌های ارتکاب جرم در جامعه است. در سیاست جنایی زرتشتی روش‌های مبارزه علیه جرم وجود دارد. این روش‌ها موجب می‌گردد تا شخص مصمم به ارتکاب جرم نتواند تصمیم خود را عملی سازد. در این مرحله باید وضعیتی ایجاد شود که تحقق عمل مجرمانه را دشوار و پرخطر یا ناممکن سازد. این شیوه سبب کاهش وقوع جرم تقویت امنیت و آسایش و آرامش شهروندان می‌گردد. اساساً یکی از سازمان‌هایی که در سیاست جنایی زرتشتی که کارکرد آن در جهت پیشگیری از وقوع جرم قرار داشته، نهاد کوی بان بوده است. کوی بان باتوجه به نقش ارشادی و نظارت و کنترل پیوسته حتی به صورت شبانه‌روزی که بر جامعه داشته با ابزار غیرکیفری مانند ارشاد و کنترل و نظارت همچنین با اقدامات و برخورد قضایی مانند تحت تعقیب قرار دادن متهمین، سبب کاهش وقوع مجرمانه تاحدی باعث از بین رفتن یا دشوار نمودن، موقعیت‌های جرم‌زا می‌گردد. از این حیث این سازمان بخشی از وظایف و کارکرد دادستان‌های امروزی که بر محور پیشگیری از وقوع جرم استوار است را انجام می‌داده است. در قانون اساسی ایران یکی از وظایف قوه قضائیه را پیشگیری از وقوع جرم ذکر کرده است؛ اما در قانون در خصوص اینکه یکی از وظایف دادستان پیشگیری از وقوع جرم باشد، اشاره‌ای نشده است ولی در قانون تشکیل نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹ پیشگیری از جرم را از وظایف این نیرو دانسته است. در این قانون در مورد نحوه پیشگیری مطلبی اشاره نشده است؛ اما در قانون به طور دقیق ساختار و نحوه پیشگیری از وقوع جرم مشخص نشده است. قابل ذکر است که پیشگیری قبل از وقوع جرم باید توسط کلیه دستگاه‌های دولتی و وزارتخانه‌ها تحت نظارت مدیریت پیشگیری از وقوع جرم انجام گیرد. قطعاً دادستان نمی‌تواند این وظیفه را انجام بدهد. به دلیل اینکه مدیریت پیشگیری از وقوع جرم یک کار گسترده است، دادستان را از انجام وظیفه اصلی، بازمی‌دارد؛ اما آنچه مورد نظر ماست پیشگیری از تکرار جرم که در

۸۹. شهزادی، ماتیکان هزار دادستان، پیشین، فصل ۴۰، بند ۲۲، ۱۲۳.

اصلاح و تربیت مجرمان مؤثر است، می‌باشد. ولی قانونگذار باید با تصویب قانون و در نظر گرفتن بودجه کافی و امکانات این وظیفه را به دادستان بسپارد. همچنین در قانون پیش‌بینی گردید، دادستانی کل کشور و دادرهای مرکز ولایات معاونت پیشگیری از وقوع جرم داشته باشند. اساساً بین پیشگیری از وقوع جرم و حفظ حقوق عمومی رابطه تنگاتنگی وجود دارد. چون دادستان حافظ منافع عمومی^{۹۱} و منافع خصوصی است. نقش نظارتی و کنترلی دارد، باید بتواند به ادارات دولتی برای جلوگیری از قانون شکنی و اقدامات پیشگیرانه نکاتی را که موجب پیشگیری از وقوع جرم است، اعلام کند. مقررات فعلی دارای شرایط مناسب بر برقراری همکاری بین مقامات اجرائیه با مقامات دادستانی نیست؛ اما در آن روزگار مدیریت پیشگیری از وقوع جرم به عهده کوی بان بوده است.

۳-۲- تعقیب

کسانی که عمل آنها طبق قانون جرم باشد، دادستان به عنوان نماینده جامعه اقدام به تعقیب می‌کند. چون ارتکاب جرم موجب اخلال در نظم عمومی و جریحه‌دار شدن وجدان جمعی شهروندان می‌گردد. دادستان حافظ منافع و حقوق عمومی است. به عبارت دیگر دادستان به دفاع از حق و قانون می‌پردازد. نقش دادستان به عنوان مدعی و صاحب حق در اقامه دعوی عمومی می‌باشد. «تعقیب جرایم اصولاً بر عهده دادستان عمومی است که باتوجه به صلاحیت محلی، از سوی مقنن عهده‌دار امر تعقیب شناخته شده است.»^{۹۲} در نظام حقوقی زرتشتی کوی بان مکلف بوده، کسانی که مرتکب جرایمی از قبیل جاسوسی، خیانت به میهن، راهزنی، توهین به مقدسات و رشوه‌خواری می‌شده‌اند که جنبه عمومی داشته را تحت تعقیب قرار دهد. چون شخصی که مرتکب جرم می‌گردد و عمل وی موجب اخلال در نظم عمومی می‌شد، مستحق مجازات بوده. کوی بان از این حیث به نمایندگی از جامعه مرتکبین را تحت تعقیب قرار می‌داد.

از آنجایی که شناسایی یک عمل به عنوان جرم، پیش شرط تعقیب و مجازات است، پرسشی که مطرح می‌گردد این است که آیا کوی بان، می‌توانست هر عملی را بدون هیچ ضابطه و منطق حقوقی دارای جنبه عمومی تلقی کرده، شهروندان را تحت تعقیب قرار دهد؟ پاسخ منفی می‌باشد مقام قضایی در حقوق زرتشتی مکلف بوده بر طبق قانون، متهم را تحت تعقیب قرار

91. L'interêtê Publique.

۹۲. محمد آشوری، آیین دادرسی کیفری (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴)، جلد اول، ۱۰۴.

دهد. چون در منابع زرتشتی تصریح شده قاضی باید برطبق قانون حکم صادر کند. ماتیگان هزار دادستان مقرر داشته است: «دادگاه باید بدون مشورت یا مداخله بازپرسان برطبق مواد قانون اقدام به صدور رأی نماید.»^{۹۳} از این بند چنین استنباط می‌گردد که مقامات قضایی مکلف بودند برطبق قانون رسیدگی کنند. به لحاظ اینکه اصل قانونی بودن جرم و مجازات وجود داشته است. کوی‌بان مانند دادستان امروزی موظف بوده برطبق قانون عمل کند. در آن روزگار قاعده قانونی بودن تعقیب^{۹۴} حاکمیت داشته است. کوی‌بان و مقامات قضایی نمی‌توانستند بر مبنای سلیقه و نظر شخصی، شهروندان را تحت تعقیب قرار دهند. در واقع اصل برابری همگان در مقابل قانون^{۹۵}، مدنظر بوده است.

باتوجه به ماتیگان هزار دادستان به نظر می‌رسد در آن روزگار نهاد کوی‌بانی به عنوان یک مرجع رسمی تعقیب مانند دادسرای امروزی فعالیت می‌کرده است. در سیستم‌های قضایی امروزه هم دادستان فقط نماینده جامعه در تحت تعقیب قرار دادن بزهکار است. برخی از پژوهشگران فرانسوی معتقدند: «دعوی عمومی فقط به جامعه تعلق دارد و تنها جامعه حق تعقیب یا انصراف از آن را دارد. در واقع جامعه دعوی عمومی را به وسیله نماینده‌های صلاحیتدار خود و قضات دادسرا اعمال می‌کند.»^{۹۶}

پرسش این است، آیا کوی‌بان می‌توانسته پس از تعقیب از ادامه انصراف دهد؟ نظر به اینکه کوی‌بان تابع و مجری قانون بوده، در قانون چنین اختیاری به وی اعطاء نشده لذا نمی‌توانسته از ادامه تعقیب انصراف دهد.

بنابراین کوی‌بان، صاحب‌منصبی بوده برای تأمین بهتر امنیت قضایی و حفظ منافع عمومی نقش مهمی در دادرسی عادلانه داشته که قانونگذار آن روزگار به اهمیت آن پی برده بود. پژوهشگران در مورد اهمیت مقام دادستان معتقدند: «به منظور تأمین یک اداره خوب عدالت کیفری و تضمین استقلال و بی‌طرفی کسانی که این وظایف قضایی را انجام می‌دهند، قانون تعقیب را به دادستان شهرستان، جمع‌آوری و ارزیابی کفایت دلایل را به بازپرس و وظیفه تشخیص مجرمیت متهم را به دادگاه واگذار کرده»^{۹۷} بنابراین وجود دادستان به منظور حفظ حقوق و منافع عمومی برای آسایش و امنیت خاطر خلق می‌باشد.

۹۳. شهزادی، ماتیگان هزار دادستان، پیشین، فصل ۳۸، بند ۴، ۱۱۵.

94. la légalité des poursuites.

95. le principe de l'égalité de tous devant la loi.

96. Stefani, Levasseur and Bouloc, op.cit. 145.

97. Ibid, 45.

۳-۳- احضار و دستگیری متهم

کوی بان مکلف بوده قبل از دستگیری متهم در احراز هویت وی دقت کافی بنماید اگر در انجام این عمل عمداً یا سهواً مرتکب خطایی می‌شده، به مجازات و پرداخت خسارت به اشخاص بی‌گناه محکوم می‌گردید. در ماتیکان چنین مقرر داشته: «کوی بان باید پس از حصول یقین و اطمینان کامل نسبت به صحت نام و مشخصات مجرم او را جلب یا توقیف نمایند زیرا در صورت جلب شخص دیگری غیر از مجرم مسؤل عواقب آن خواهند بود.»^{۹۸} این موضوع نشانگر دقت قانونگذار آن روزگار در حفظ حقوق اشخاص بوده است که هنگام تعقیب و دستگیری چه نکاتی را باید رعایت کنند.

این ماده تاحدی با ماده ۱۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری تطبیق می‌کند که مقرر می‌دارد: «در احضاریه نام و نام خانوادگی احضارشونده، تاریخ، ساعت، محل حضور، علت احضار و نتیجه عدم حضور قید می‌شود و به امضای مقام قضایی می‌رسد.» پس از قرن‌ها قانونگذاران معاصر این موضوع را در قانونگذاری پیش‌بینی کردند. اگر شخصی به‌طور اشتباه یا عمداً توسط مقامات قضایی بازداشت شود، باید خسارات ایام بازداشت پرداخت شود. این مسئله در قانون اخیر دادرسی کیفری ایران در ماده ۲۵۵ پیش‌بینی شده است. قانونی بودن دادرسی ایجاب می‌کرد که کوی بان نمی‌توانست بدون وجود دلایل مجرمانه کسی را احضار یا دستگیر نماید.

۳-۴- تحقیق و بازجویی از متهم

باتوجه به اینکه کوی بان متهم را دستگیر می‌کرده است، قطعاً می‌بایستی از وی در خصوص اتهام تحقیق می‌نمود. در ماتیکان مقرر شده: «در هنگام تحقیق و رسیدگی داور باید به نکات زیر کاملاً توجه کند:

الف - وقت بازداشت و هنگامی که متهم عمل مورد اتهام را مرتکب شده است؛

ب - آیا از متهم باید ضمانت گرفت یا خیر؟؛

ج - آیا رسیدگی به دعوی باید فوراً به عمل آید و آیا رسیدگی به دعوی در صلاحیت

اوست یا خیر؟؛

د - آیا اقداماتی برای جلوگیری از محو اثرات جرم باید به عمل آید؟ آیا متهم درصدد فریب یا مخفی کردن حقیقت یا تظاهر به بی‌تقصیری است؟^{۹۹}

و - تمام مشخصات و خصوصیات متهم را باید معلوم کرد و روحیه و طرز پاسخ متهم و اشیائی که با او همراه بوده و اتهاماتی که به او نسبت داده شده.^{۹۹}

کوی بان مکلف بوده به محض حضور متهم، مشخصات دقیق وی را صورت‌جلسه کند تا بداند از چه کسی تحقیق و بازجویی می‌کند. سپس موضوع اتهام (فعل ارتكابی) و دلایل ارتكاب جرم را به متهم تفهیم می‌کند. کلیه اظهارات متهم و رفتاری که در هنگام بازجویی از خود بروز می‌داده، می‌بایستی در بازجویی قید شود. همچنین راجع به اموال یا اشیائی که به همراه متهم بوده، تحقیق انجام می‌گرفت. پرسیدن سابقه کیفری متهم الزامی بوده چون در ماتیکان مقرر شده: «هر جرمی باید طبق قانون و نسبت به دفاعاتی باشد که مجرم مرتکب جرم شده است.»^{۱۰۰} و «تفهیم اتهام عبارت است از اعلام رسمی عمل یا اعمال مجرمانه به متهم از سوی قاضی تحقیق به زبان و به شیوه‌ای که باتوجه‌به وضعیت خاص هر متهم برای او قابل‌درک باشد. با تفهیم اتهام، مشتکی‌عنه تبدیل به متهم شده و استفاده از سایر حقوق دفاعی مانند حق سکوت و استفاده از معاضدت وکیل‌مدافع آغاز می‌شود. قاضی تحقیق نیز موظف می‌گردد که از آن پس هرگونه پرسش را فقط در ارتباط با موضوع اتهام مطرح کنند.»^{۱۰۱}

یکی از حقوقی که متهم در هنگام تحقیق و رسیدگی از آن برخوردار بوده، حق سکوت است. در ماتیکان مقرر شده: «متهم حق انکار اتهام منتسبه به خود را دارا می‌باشد.»^{۱۰۲} بنابه صراحت ماده مذکور متهم می‌توانست در هنگام تحقیق درمقابل پرسش‌های مقام قضایی سکوت کند و پاسخ ندهد. مقام قضایی نمی‌توانست متهم را مجبور نماید. پرسش این است آیا سکوت متهم می‌توانست دلیل بر مجرمیت او تلقی گردد؟ از منطوق و مفهوم ماده مرقوم چنین مستفاد می‌گردد که «سکوت» از حقوق متهم بوده. باتوجه‌به حاکمیت اصل برائت در حقوق زرتشتی، اصل بر برائت متهم بوده، چنانچه دلایل کافی علیه متهم وجود نمی‌داشت، مقام قضایی نمی‌توانستند سکوت متهم را دلیل بر مجرمیت او اعلام کنند.

۹۹. همان، فصل ۴۰، بند ۲، ۱۲۱.

۱۰۰. همان، فصل ۴۲، بند ۲۷، ۱۲۶.

۱۰۱. آشوری، آیین دادرسی کیفری، پیشین، جلد ۲، ۸۷-۸۶.

۱۰۲. شهزادی، ماتیکان هزار دادستان، پیشین، فصل ۸، بند ۱۷، ۷۲.

درخصوص اینکه تحقیقات باید به صورت کامل انجام گیرد در ماتیکان هزار دادستان آمده است: «دادوران باید چگونگی قضیه مورد دعوی را تحقیق کرده به دلایل و شواهد و حقایق آن با کمال دقت رسیدگی کنند.»^{۱۰۳} یعنی مقامات قضایی ملزم بودند برطبق قانون به صورت منطقی و معقولانه به موضوع رسیدگی کنند. عدالت اورژانسی^{۱۰۴} حاکمیت نداشته چون در این گونه موارد به علت سرعت ممکن است حقوق متهم رعایت نشود و خطرات و آسیب‌هایی به دنبال داشته باشد. قانونگذار آن روزگار این گونه رسیدگی کیفری را نپذیرفته و به اهمیت رسیدگی توأم با آرامش و دقت پی برده بوده است.

تحقیقات می‌بایستی در مهلت معقول انجام می‌گرفت. تأخیر در انجام تحقیق و سرعت بی‌مورد مجاز نبوده است. در این خصوص، در ماتیکان مقرر شده: «مدت انجام بازرسی و تکمیل پرونده و ارسال آن از طرف داوران به موبدان و از موبدان به هوارستان را نمی‌توان پیش‌بینی کرد.»^{۱۰۵} قانونگذار آن روزگار به مدت انجام تحقیقات اشاره نکرده به نظر می‌رسد قانونگذار نخواستند دقت در تحقیقات را فدای سرعت کند، ولی در ماده ۳ قانون دادرسی کیفری قید «کوتاه‌ترین مهلت ممکن» مقرر داشته نباید تحقیقات و رسیدگی کیفری طولانی باشد، یعنی باید در مهلت معقول رسیدگی شود.

رعایت موازین قانونی در تحقیقات الزامی بوده چون تحصیل دلیل می‌بایست بر اساس قانون باشد. در نظام دادرسی کیفری مدرن، چنانچه تحصیل دلیل به طرق غیرقانونی انجام گیرد، از موارد بطلان تحقیقات است. پرسشی که مطرح می‌گردد، این است که آیا در نظام حقوقی زرتشتی، کوی بان می‌توانسته در حین بازرسی به منظور کشف حقیقت به وعده و وعید و حتی تهدید متوسل شود تا متهم را وادار به اقرار کند؟ در این خصوص «کریستین سن»^{۱۰۶} چنین می‌نگارد: «مستنطق در حین استنطاق چنانچه لازم بود وعده و وعید به رفق و تهدید به کار می‌برد تا متهم را مقرر آورد.»^{۱۰۷} این ادعا ناصحیح می‌باشد. کوی بان حق شکنجه و تنبیه به منظور جمع‌آوری دلایل جرم را نداشته، چون این مطلب به صراحت در ماتیکان ممنوع اعلام گشته، «تازمانی که جرم متهم به مرحله ثبوت نرسیده است باید از هرگونه تنبیه

۱۰۳. همان، فصل ۴۰، بند ۱، ۱۲۰.

104. la justice de l'urgence.

۱۰۵. همان، فصل ۳۸، بند ۱، ۱۱۴.

106. Arthur Christensen.

۱۰۷. آرتور کریستین سن، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی (تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۸۷)،

یا زندانی کردن او خودداری کرد.^{۱۰۸} این امر نشان می‌دهد قانونگذار آن روزگار به رعایت حقوق متهم و دادرسی عادلانه توجه داشته است. هم‌اکنون در اصل ۳۸ قانون اساسی مواد قانون حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۱ و مواد ۲، ۶ و ۷ قانون آیین دادرسی کیفری ایران به این موضوع اشاره شده است.

۳-۵- کیفرخواست

باتوجه به اینکه تحقیقات توسط کوی‌بان انجام می‌گرفته است، پس از پایان تحقیقات ملزم بوده با تنظیم خلاصه پرونده و اشاره به نکات مهم آن، پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه ارسال کند. در این خصوص در ماتیکان مقرر شده: «موبدان و داوران باید نکات مهم پرونده و یادداشت مختصری راجع به نتیجه بازپرسی خود نوشته و به مهر خود ممهور و با پرونده به رئیس دادگاه تسلیم کند.»^{۱۰۹} از این مطلب می‌توان چنین استنباط می‌گردد که وی پس از پایان تحقیقات با تنظیم کیفرخواست^{۱۱۰} پرونده را به دادگاه ارسال می‌کرده است. البته کوی‌بان حق شرکت در جلسه رسیدگی را نداشته، وظیفه کوی‌بان با دادستان از این حیث متفاوت است.

مطابق ماده ۲۶۵ قانون دادرسی کیفری ایران، بازپرس^{۱۱۱} پس از پایان تحقیقات، در صورت جرم بودن عمل ارتكابی و وجود ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار جلب به دادرسی صادر می‌کند. چنانچه دادستان موافق قرار صادره باشد. وفق ماده ۲۶۸ قانون مذکور ظرف دو روز با تنظیم کیفرخواست پرونده را به دادگاه ارسال می‌کند.

۳-۶- تفاوت‌ها و شباهت‌ها بین کوی‌بان و دادستان

پس از شناخت ساختار کوی‌بان، لازم است وی را با مقام دادستان مورد مقایسه قرار دهیم. ابتدا شباهت‌های این دو سپس تفاوت‌های آنان را بیان خواهیم کرد.

شباهت‌ها:

۱- در نظام حقوق زرتشتی قاعده‌سازی براساس اوستا، آداب و رسوم و ارزش‌های اجتماعی (عرف) و فرامین پادشاهان انجام گرفته است. مکتوب کردن مواد قانونی که در دسترس

۱۰۸. شهزادی، ماتیکان هزار دادستان، پیشین، فصل ۴۲، بند ۲۹، ۱۱۶.

۱۰۹. همان، فصل ۳۸، بند ۳، ۱۱۵.

110. le réquisitoire Supplétif.

111. Juge d'instruction.

همگان باشد. شهروندان در صورت نقض قانون بتوانند نتیجه آن را پیش‌بینی کنند. در این نظام حقوقی به‌منظور تنظیم روابط اجتماعی، تأمین امنیت و آسایش شهروندان، اصول و قوانینی وجود داشته که دلالت بر وجود اصل قانونی بودن جرم و مجازات به‌طور صریح دارد. مصادیق اصل قانونی بودن جرم و مجازات به‌طور دقیق پیش‌بینی شده که این خصیصه مانع استبداد قضایی در هنگام تعقیب و رسیدگی می‌گردد. قاضی در نظام قضایی زرتشتی در صورتی می‌توانست کسی را تحت تعقیب قرار دهد که عمل متهم، طبق قانون مدون، جرم بوده باشد. در غیر این صورت فرض بر بی‌گناهی متهم بوده، قضات حق صدور مجازات بدون استناد به قانون را نداشتند؛

۲- باتوجه به اینکه تحقیقات توسط «کوی‌بان» انجام می‌گرفته، پس از پایان تحقیقات ملزم بوده با تنظیم خلاصه پرونده و اشاره به نکات مهم آن، پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه ارسال کند. فرض بر بی‌گناهی در دادرسی کیفری زرتشتی حاکمیت داشته است. اصل برائت یکی از اصول مهمی است که ضامن حفظ حقوق و آزادی‌های شهروندان محسوب می‌گردد. تا دلیل قانونی و امارات بر علیه کسی وجود نداشته کوی‌بان حق تعقیب وی را نداشته است. کوی‌بان، به‌منظور کسب اقرار و جمع‌آوری دلایل جرم حق شکنجه نداشته است؛

۳- از آنجایی که روند دستیابی شکات به کوی‌بان به‌منظور ارائه شکوائیه آسان بوده، هر شخصی می‌توانسته شکایات خود را ثبت کند. این موضوع نشانگر این است که سیستم دادرسی کیفری آن روزگار مانند امروز پیشرفته بوده است چون در وضعیت حاضر شهروندان بدون هیچ مانعی می‌توانند شکایات خود را در دادسرا ثبت کنند؛

۴- نظام دادرسی زرتشتی مبتنی بر کرامت انسانی است. اصول حاکم بر دادرسی‌های کیفری نشئت‌گرفته از آموزه‌های دین زرتشت می‌باشد. مقررات دادرسی نظام حقوقی زرتشتی در روزگار حاکمیت خود تضمین‌کننده حقوق اصحاب دعوی اعم از شکات و متهمین، بوده، همچنین حدود اختیارات کلیه مقاماتی که در فرایند کیفری دخالت داشته‌اند، مشخص بوده است؛

۵- هر دو مقام حافظ نظم عمومی هستند. وظیفه آنان تأمین امنیت قضایی شهروندان و تعقیب مرتکبین جرم به‌ویژه مقامات دولتی که از موقعیت شغلی خود سوءاستفاده می‌کنند، است. افزون بر این، دادستان نماینده جامعه محسوب می‌گردد؛

۶- استقلال قضایی درمقابل دادگاه‌ها: کوی‌بان در برخی موارد مستقل از دادگاه بوده. دادگاه‌ها نمی‌توانستند، بر اعمال کوی‌بان دخالت کنند. دادستان زیر نظر دادگاه انجام وظیفه نمی‌کند، بلکه استقلال قضایی دارد. این وضعیت درمورد کوی‌بان هم صدق می‌کند؛

۷- کشف جرم: یکی از وظایف کوی‌بان کشف جرم بوده. چنانچه کسی در حوزه حقوق عمومی مرتکب جرم می‌گردید، وی اقدام به تعقیب متهم می‌نمود. امروزه هم یکی از وظایف پلیس، کشف جرم در حوزه حقوق عمومی است، ولیکن پلیس به‌عنوان ضابط دادگستری زیر نظر دادستان فعالیت می‌کند. در خصوص اینکه آیا پلیس آن روزگار به‌نام فریزوان زیر نظر کوی‌بان فعالیت می‌کرده یا خیر نمی‌توان اظهارنظر قطعی کرد؛

۸- تعقیب: اگر کسی شکایتی به نزد کوی‌بان می‌برد، وی مکلف بوده درصورت وجود دلایل، متهم را تحت تعقیب قرار بدهد. امروزه هم اگر کسی شکایتی نزد دادستان ببرد، دادستان درصورت وجود دلایل کافی، اقدام به تعقیب متهم می‌کند. هرکسی در جامعه مرتکب جرم می‌شده، کوی‌بان می‌توانسته او را طبق قانون تحت تعقیب قرار دهد. کوی‌بان و دادستان به‌لحاظ وجود اصل قانونی بودن جرم و مجازات و قاعده «قانونی بودن تعقیب» به‌محض اینکه از ارتکاب جرم آگاه شوند، باید مرتکب جرم را تحت تعقیب قرار دهند؛

۹- تحقیق و جمع‌آوری دلایل: هر دو مقام مکلف هستند برطبق قانون اقدام به تحقیق و جمع‌آوری دلایل نمایند. به‌منظور کسب دلیل حق شکنجه متهمان را ندارند؛

۱۰- دادستان و کوی‌بان مکلف هستند. حقوق متهم ازجمله سکوت در پاسخ به پرسش‌ها، انکار متهم از اتهام انتسابی را رعایت کنند و سکوت متهم را دلیل بر ارتکاب جرم تلقی نکنند؛

۱۱- کوی‌بان مکلف بوده پس از تعقیب، تحقیق و جمع‌آوری دلیل پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه ارسال کند. درحالی‌که دادستان پس از تعقیب و جمع‌آوری دلایل مبادرت به تنظیم کیفرخواست کرده و پرونده را به دادگاه ارسال می‌کند؛

۱۲- کوی‌بان با نظارت و کنترل پیوسته‌ای که بر جامعه داشته، سبب کاهش وقوع جرم و تاحدی باعث از بین رفتن یا دشوار نمودن موقعیت‌های جرم‌زا می‌گردید. ازاین‌حیث کوی‌بان بخشی از وظایف و کارکرد دادستان‌های امروزی که بر محور پیشگیری از وقوع جرم استوار است را انجام می‌داده است.

تفاوت‌ها

- ۱- از نظر صلاحیت: کوی‌بان امکان داشت از بین مقامات قوه قضائیه و قوه مجریه انتخاب می‌شد. کوی‌بان ممکن بود تخصص قضایی نداشته باشد؛ اما دادستان باید دارای تحصیلات حقوقی از بین مقامات قضایی انتخاب گردد؛
- ۲- از وظایف کوی‌بان نظارت بر اقدامات فریزوان (پلیس) به‌عنوان ضابط دادگستری نبوده است، درحالی‌که یکی از وظایف دادستان، نظارت بر فعالیت پلیس به‌عنوان ضابطان دادگستری می‌باشد؛
- ۳- در تحقیقات: دادستان‌ها امروزه در هنگام تحقیق از علمی چون پلیس علمی کشف جرم، جرم‌یابی، پزشکی قانونی و روان‌شناسی جنایی استفاده می‌کنند. درحالی‌که در آن روزگار چنین علمی وجود نداشته تا کوی‌بان بتواند از آن استفاده کند. اساساً تحقیقات بدون تشریفات و ساده بوده است؛
- ۴- شرکت در جلسات دادگاه و دفاع از کیفرخواست: حضور دادستان در دادگاه به نمایندگی از سوی جامعه و دفاع از کیفرخواست الزامی است؛ اما کوی‌بان حق حضور در جلسات دادرسی را نداشته است؛
- ۵- دادستان به‌منظور حسن اجرای قوانین، اقدام به تجدیدنظرخواهی از احکام کیفری می‌کند، درحالی‌که کوی‌بان چنین وظیفه‌ای نداشته است؛
- ۶- اجرای احکام: یکی از وظایف دادستان اجرای حکم و نظارت بر زندان‌ها می‌باشد. این وظیفه هم‌اکنون در امور کیفری به‌طور کامل در امور حقوقی به‌طور محدود به‌عهده دادستان است؛ اما کوی‌بان چنین وظیفه‌ای نداشته است.

نتیجه

- باتوجه به اسناد و مدارک موجود به‌نظر می‌رسد:
- الف - در منابع حقوق جزای زرتشتی، «اصل قانونی بودن جرم و مجازات» وجود داشته. کوی‌بان بر مبنای «اصل قانونی بودن تعقیب» مکلف به تعقیب متهمان بوده و حق انصراف از ادامه تعقیب متهم را نداشته؛
- ب - کوی‌بان در نظام حقوقی زرتشتی شخصی بوده که تعقیب، تحقیقات مقدماتی، تنظیم کیفرخواست و پیشگیری از وقوع جرم بر طبق قانون برعهده وی بوده است؛

پ - کوی بان مقامی بوده که وظایف دادستان امروزی را انجام می‌داده است، از جمله طبق قانون، متهم را تحت تعقیب قرار می‌داده است. چنانچه شخصی را بدون دلیل قانونی به‌طور عمدی یا سهوی بازداشت می‌کرده، مکلف به جبران خسارت بوده است؛

ت - باتوجه به اینکه تحقیقات توسط کوی بان انجام می‌گرفته است، پس از پایان تحقیقات ملزم بوده با تنظیم خلاصه پرونده و اشاره به نکات مهم آن، پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه ارسال کند؛

ث - فرض بر بی‌گناهی در دادرسی کیفری زرتشتی حاکمیت داشته است. اصل برائت یکی از اصول مهمی است که ضامن حفظ حقوق و آزادی‌های شهروندان محسوب می‌گردد. تا دلیل قانونی و امارات بر علیه کسی وجود نداشته کوی بان حق تعقیب وی را نداشته است؛

ج - کوی بان، به‌منظور کسب اقرار و جمع‌آوری دلایل جرم حق شکنجه نداشته است؛

چ - از آنجایی که روند دستیابی شکات به کوی بان به‌منظور ارائه شکوائیه آسان بوده، هر شخصی می‌توانسته شکایات خود را ثبت کند. این موضوع نشانگر این است که سیستم دادرسی کیفری آن روزگار مانند امروز پیشرفته بوده است، چون در وضعیت حاضر، شهروندان بدون هیچ مانعی می‌توانند شکایات خود را در دادسرا ثبت کنند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- آخوندی، محمود. *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳.
- آخوندی، محمود. *آیین دادرسی کیفری (دادسرا و کیفرخواست)*. جلد ششم. تهران: انتشارات سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۸.
- آشوری، محمد. *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول و دوم. چاپ نهم. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴.
- احتشام، مرتضی. *ایران در زمان هخامنشیان*. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۵.
- احمدی، علی‌اشرف. *دادگستری و قانون در ایران باستان*. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ، ۱۳۴۲.
- افلاطونی، ارسطو. *حقوق در ایران باستان*. تهران: شرکت سهامی طبع کتاب، ۱۳۲۴.
- امین، سید حسن. *تاریخ حقوق ایران*. تهران: انتشارات دایرة‌المعارف ایران‌شناسی، ۱۳۸۱.
- اوشیدری، جهانگیر. *دانشنامه مزدیسنا*. تهران: انتشارات مرکز، ۱۳۷۱.
- جنیدی، فریدون. *حقوق بشر در جهان امروز و حقوق جهان در ایران باستان*. تهران: انتشارات بلخ، ۱۳۸۷.
- خالقی، علی. *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول. چاپ دوم. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۸.
- دار مستتر، جیمس. *وندیداد/اوستا*. ترجمه موسی جوان. تهران: انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۸۴.
- دهخدا، علی‌اکبر. *لغت‌نامه (حرف د)*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.
- راوندی، مرتضی. *سیر قانون و دادگستری در ایران*. تهران: چشمه، ۱۳۶۸.
- زنجانی، محمود. *تاریخ تمدن ایران باستان*. جلد اول. تهران: انتشارات عطایی، ۱۳۹۴.
- ساکت، محمدحسین. *دادرسی در حقوق اسلامی*. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۲.
- شهزادی، رستم. *واژه‌نامه پازند*. تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی فروهر، ۱۳۸۶.
- شهزادی، موید رستم، مترجم. *ماتیکان هزار دادستان*. تهران: انتشارات فروهر، ۱۳۸۶.
- صفی‌زاده، فاروق. *تاریخ حقوق ایران باستان*. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۱.
- عرب بدوئی، ربابه. *حمایت کیفری از حقوق بشر در ایران باستان*. تهران: نشر علم، ۱۳۸۸.
- عریان، سعید، مترجم. *مادیان هزار دادستان*. تهران: انتشارات علمی، ۱۳۹۱.
- فراستخواه، جلیل، مترجم. *اوستا*. جلد اول. تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۷۱.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸.

- قانون آیین دادرسی کیفری ایران، مصوب ۱۳۹۳.
- قانون نیروی انتظامی، مصوب ۱۳۶۹.
- کاكا افشار، علی. «مادگان هزار دادستان». *مجله کانون وکلای دادگستری* ۱۹۷ و ۱۹۶ (۱۳۸۶): ۲۴۲-۱۴۱.
- کریستین سن، آرتور. *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه رشید یاسمی. تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۸۷.
- مجموعه قوانین و مقررات کشور سال‌های (۱۳۳۰-۱۳۰۰). جلد دوم. تهران: انتشارات روزنامه رسمی کل کشور، ۱۳۸۸.
- مزدپور، کتابون. *شایست ناشایست*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۹.
- مشکور، محمدجواد. *گفتاری درباره دینکرد*. تهران: اسپند، ۱۳۲۵.
- معین، محمد. *فرهنگ فارسی معین*. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵.
- همین - دوا، آرلت. *آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*. ترجمه یوسف مولایی و رشید برناک. تهران: نشر گرایش، ۱۳۸۲.

ب) منابع خارجی

- Campbell Balck, Henry. *Black's Law Dictionary*. Oxford: West Publishing Co., 2004.
- Carbasse, Jean Marie. *Histoire du Parquet*. Paris: Presses Universitaires de France, 2000.
- Code d'instruction Criminelle, 1808.
- Guichard, Serge, Gabriel Montagnier. *Lexique Des Termes Juridiques*. Paris: Dalloz, 2001.
- Laroche, Florence. *Dictionnaire du Droit de Tous les Jours*. Paris: Ouest France, 1982.
- Macuch, M. *Das Sasanidische Rechtbuch. Matakdan 1 Hazar Datistan*. teil 11. Wiesbaden, 1981.
- Perikhanian, Anahid. *The Book of a Thousand Judgements (A Sasanian Law Book)*. Translated from Russian by prof. Nina Garsoian. U.S.A.: Boston, 1980.
- Perrot, Roger. *Instruction Judiciaries*. 9th Edition. Paris: Montchrestien, 2000.
- Stefani, Gaston, George Levasseur and Bernard Bouloc. *Procedure Penale*. 20th Edition. Paris, 2006.
- West, e.w., Translator. *Dinkard-i-dinik (The Sacred Books of the East)*. Vol. 18. Oxford: Oxford University Press, 1892.
- Буриев И.Б. Становление и развитие институтов государственности на территории Таджикистана (досоветский период) /под ред. Академика Ф.Тахирова. - Душанбе: "Ирфон", 2008.
- Исоев Мадвалӣ Шайдуллоевич; Каримов Файзимад Каримович; Юсуфов Абдуҷалил. Назорати Прокоррй дар Ҷумҳурии Тоҷикистон. Изд. "ЭҶОД" - Душанбе, 2005.
- Махмудов М. Словарь юридических терминов. Душанбе, 2009.
- Назарзоде Сайфуддин и др. Культура комментарии таджикского языка. Т.П, Душанбе, 2008.
- Халиков А. Г. Мотикони хазор Додситон. - "Эр-граф". - Душанбе, 2015.

Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XVIII, No. 3

2019-3

- **International Criminal Tribunal Approach to Forced Marriage as Sexual Violence**
Dr. Ahmadreza Tohidi & Azadeh Dadashi
- **Renegotiation; Reflection of the Need to Maintain the Economic and Financial Equilibrium of Upstream Petroleum Contracts**
Dr. Mohammad Namdar Zangeneh & Dr. Seyyed Hossein Tabatabaei
- **Civil Liability of Natural Persons Resulting from Transmission of Contagious Diseases with Emphasis on British Law**
Dr. Alireza Rajabzadeh & Bahareh Shafiei
- **A Comparative Study of Abandoned Ship Ownership and Its Rules in the Maritime Law System of Iran, US, UK and France**
Seyyed Abbas Motevalli & Dr. Mahmoud Qayyumzadeh & Dr. Seyyed Morteza Naeimy
- **The Causes and the Uses of Non-Criminal Responses instead of Answering Criminal (Punishment) of the Penal Code, Adopted in 1392**
Dr. Ramin Alizadeh & Dr. Mohammad Ali Jahed
- **Prevention and Compensation Methods in Violation of Intellectual Property Rights (In Iranian Law and International Documents)**
Sakineh Dehghan
- **A Comparative Study of Foreign Participation in Commercial Companies of Free Zones**
Elham Meghraziasl
- **The Nature of Impossible Offence in Iran's Law with Respect to English Law**
Dr. Abolhasan Shakeri & Dr. Mahmoud Darvish Torabi
- **ASEAN Dispute Settlement Mechanisms; A Model for the Economic Cooperation Organization (ECO)**
Mohammad Reza Narimani Zamanabadi
- **Koyban as a Prosecutor in the Zoroastrian Law**
Aziz Nokandeh
- **Prevention of Victimization of Judiciary's Staff in Iran: Case Study of Broujerd City**
Dr. Javad Riahi & Dr. Esmail Sharifi & Azin Rouhani
- **International Commercial Words a Mistaken Equivalent Used in Farsi ITL Literature for "INCOTERMS"**
Seyyed Aziz Masoumi
- **Identifying and Preventing Opportunities for Organized Crime in the International Antiquities Market**
Author: Dr. Simon Mackenzie, Translator: Bahareh Ghanooon

